

یحیی سمیعان

(ریحان)

سیدفرید قاسمی



شرکت سهامی کتابهای جیبی
وابسته به موسسه انتشارات امیرکبیر
تهران ۱۳۸۷



تهران، خیابان جمهوری اسلامی، میدان استقلال،

صندوق پستی ۴۱۹۱ - ۱۱۳۶۵

شرکت سهامی کتاب‌های جیبی

وابسته به موسسه انتشارات امیرکبیر

www.amirkabir.net

عنوان کتاب: یحیی سمیعان (ریحان)

مؤلف: سیدفرید قاسمی

ناظر طرح: اکبر نبوی

طراح جلد: الهه بهرام‌زاده

نوبت چاپ: اول (۱۳۸۷)

حروف متن: نازنین ۱۱ روی ۱۴

چاپ، صحافی و لیتوگرافی: چاپخانه سپهر، تهران:

خیابان ابن سینا (بهارستان)، شماره ۱۰۰

شمارگان: ۳۰۰۰

کاغذ تحریر سفید ۷۰ گرمی

بها: ۱۲۰۰۰ ریال

همه حقوق محفوظ، هرگونه نسخه‌برداری اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی یا جزئی (به‌جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، و اقتباس در گیومه در مستندنویسی و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است

قاسمی، فرید ۱۳۴۳ -

یحیی سمیعان (ریحان) / فرید قاسمی. تهران: امیرکبیر، کتابهای جیبی، ۱۳۸۶

۹۸ ص: مصور؛ ۱۱ × ۱۷ س.م.

مفاهیر مطبوعات ایران؛ ۵

ISBN 978-964-303-102-2

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. ریحان، یحیی، ۱۲۷۲ - ۱۳۳۲. ۲. روزنامه‌نگاران ایرانی - قرن ۱۴. ۳. شاعران ایرانی - قرن ۱۴.

۷۲۷ ی ۹ الف / ۵۴۴۹ PN

۰۷۹/۵۵

۱۰۷۸۱۹۱

کتابخانه ملی ایران

فهرست مطالب

۹	مقدمه
۱۱	از تولد تا روزنامه نگاری
۱۳	گل زرد (دوره اول)
۴۹	نوروز
۷۲	گل زرد (دوره دوم)
۸۰	سایر آثار
۸۲	پس از روزنامه نگاری
۸۵	پی نوشت ها
۹۳	نمایه

مقدمه

پهنه مطبوعات ایران عرصه تلاش‌ها، کوشش‌ها و از خودگذشتگی‌های شماری از روزنامه‌نگاران و مجله‌نگارانی است که دشواری‌ها را به جان خریده‌اند، از سدها و دیوارها عبور کرده‌اند و کارنامه‌ای در خور برجای نهاده‌اند.

مشاهیر روزنامه‌نگار فزون از شمارند و در میان نامداران مطبوعات در گستره تاریخ، مفاخر بسیاری را می‌توان احصا کرد.

درباره پاره‌ای از دانشیان یادشده تاکنون ده‌ها نویسنده، ادیب و پژوهشگر گفته و نوشته‌اند و کوشیده‌اند زوایایی از حیات پربرگ و پربراشان را آشکار کنند تا جایگاه آنان در تاریخ ایران معاصر شناخته شود. در این میان اما ناموری‌شان در حوزه‌ها و حیطه‌های دیگر بر حیات روزنامه‌نگارانه‌شان پرتو افکنده و به زندگی مطبوعاتی‌شان کمتر پرداخته‌اند. مجموعه پیش رو که عنوان مفاخر مطبوعات ایران را بر پیشانی دارد، با تأکید بر زندگی مطبوعاتی فراهم آمده و هر مجلد آن دربردارنده سرگذشت و کارنامه روزنامه‌نگاری یکی از آنهاست؛ بدان امید که مقبول افتد و در نظر آید.

سیدفرید قاسمی

از تولد تا روزنامه‌نگاری

یحیی سمیع‌یان متخلص و مشهور به ریحان در سال ۱۳۱۳ ق در تهران دیده به جهان گشود:

«اسم من یحیی، تخلص ریحان و نام خانوادگی‌ام سمیع‌یان است. پدر مرحوم من محمدباقر اصفهانی نام داشته ولی در شهر تهران به دنیا آمده بود و فقط اجداد او اهل اصفهان بوده‌اند، خود من نیز در تهران قدم به عرصه وجود گذاشته‌ام. موقع تولد من پدرم به شغل تجارت اشتغال داشت ولی بعدها سرمایه‌اش تمام شده بود و به حق‌العمل کاری امرار معاش می‌کرد. در سال ۱۲۷۲ شمسی در تهران به دنیا آمده‌ام و روز تولد من مقارن با روزی بوده است که میرزای کرمانی [...] ناصرالدین‌شاه قاجار را با ششلول به قتل رسانده است.»

تاریخ‌هایی که ریحان برای تولدش نوشته همخوانی ندارد. اگر روز قتل ناصرالدین‌شاه به دنیا آمده روز تولد او جمعه ۱۷ ذی‌قعدة ۱۳۱۳ ق برابر با فروردین ۱۲۷۵ خورشیدی است.

باری، یحیی تا پایان تحصیل دوره ابتدایی در تهران اقامت داشت و پس از طی دوره یادشده در سن ۱۵ سالگی همراه خانواده به مشهد مقدس رفت و در آن شهر وارد کلاس هفتم مدرسه ملی خراسان شد

و همان سال نخستین شعر خود را در روزنامه نوبهار به چاپ رساند. پس از پایان کلاس هفتم وارد خدمت در اداره دارایی خراسان شد و پس از چهار سال به تهران انتقال یافت. در دوران مشهدهنشینی با مطبوعات آن شهر به همکاری پرداخت و سروده‌هایش را به چاپ رساند. همکاری یحیی ریحان به مطبوعات چاپ مشهد ختم نمی‌شد. ریحان نوشته است که «چون در موقع اقامت خود در شهر مشهد مقالاتی از جراید فرانسه برای روزنامه‌های تهران (عصر جدید و ارشاد) می‌فرستادم لذا پس از وارد شدن به تهران به دیدن مدیران جراید مزبور رفتم آن‌ها ورود مرا از خراسان به تهران در ضمن اخبار داخلی درج کردند.

در آن اوقات مرسوم بود که هر وقت مأمورین دولت یا شعرا و نویسندگان در ولایات به تهران یا از تهران به ولایات عزیمت می‌کردند، جرایدی که با آن‌ها مربوط بودند ورود یا خروج آن‌ها را در روزنامه خبر می‌دادند. در چند روز اقامت در تهران^۱ به دیدن آقای سیدضیاءالدین طباطبایی مدیر روزنامه رعد رفتم. زیرا سرمقاله‌های روزنامه رعد که به قلم خود او نوشته می‌شد خیلی جالب توجه بود و میل داشتم نویسنده آن مقالات را ملاقات نمایم. روزنامه رعد از سایر جراید آن روز مهم‌تر بود و به‌قدر کافی مترجم و نویسنده داشت و مقالات اشخاص دیگر را درج نمی‌نمود. اساساً آن اوقات نویسندگان زیادی در تهران نبودند.

گاهی آقای عدل‌الملک دادگر در پاورقی رعد مقالات ادبی می‌نوشت و همچنین آقای دیوان بیگی سناتور هم مقالات ادبی جالب توجه در جراید تهران مرقوم می‌داشت.^۲

ریحان پس از یک دوره همکاری با مطبوعات در مشهد و تهران و عضویت در تشکلهای ادبی و فرهنگی، روزنامه‌نگار شد و به‌عنوان مدیر و سردبیر، «گل زرد» را انتشار داد.